

مظالم



شہید محراب
آیت اللہ سید عبدالحسین تقی
رحمۃ اللہ علیہ

سرشناسه: دستغیب، عبدالحسین، ۱۲۹۲ - ۱۳۶۰.
عنوان و نام پدیدآور: مظالم / سید عبدالحسین دستغیب.
مشخصات نشر: قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۹۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۴۳-۱۳۸-۸

ISBN 978 - 600 - 143 - 138 - 8

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت: چاپ قبلی: کانون تربیت، ۱۳۶۲.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۳ - ۱۸۵؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: داستانهای اخلاقی.

موضوع: اخلاق اسلامی.

شناسه افزوده: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م ۵/۵۶۳۴۹/۵ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۹۶۸۱۴.

مظالم

- مؤلف: شهید محراب آیه الله سید عبدالحسین دستغیب رحمته الله علیه
- موضوع: معارف
- قطع: رقعی
- نوبت چاپ: اول
- چاپ و نشر: دفتر انتشارات اسلامی
- تعداد مجلدات: یک جلد
- تعداد صفحات: ۱۹۶
- تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۳
- شمارگان: ۱۰۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

دین کامل و احکام اجتماعی

برای خوانندگان عزیز این کتاب، شکی نیست که دین مقدس اسلام، آخرین و کاملترین ادیان آسمانی است و کتاب آسمانی، قرآن مجید صریحاً می‌فرماید:

«هیچ‌تر و خشکی نیست، مگر این که در کتاب آشکارکننده هست»^(۱).

در قرآن مجید، تمام قوانین مورد نیاز جامعه به‌طور کامل، البته سر بسته و فشرده وجود دارد که به وسیله پیشوایان دین، شرح داده شده است.

قسمت معظم احکام اسلام، مربوط به «امور اجتماعی» است و دین کامل نمی‌تواند نسبت به زندگی روزانه پیروانش، بی تفاوت باشد.

مصالح عمومی را اجرا نماید.

بخش دیگر قوانین اسلام، قوانین شخصی و فردی است که به ناچار مجری‌اش باید افراد باشند؛ «عبادات» و «اخلاقیات»، از این قسم است که هر فردی باید آن‌را به مرحلهٔ اجرا و عمل در آورد و همان سخن که گذشت: قانون خوب، مجری خوب می‌خواهد، باید هر فردی، درست آن‌را بشناسد، آنگاه خوب آن‌را پیاده کند.

اصلاح اجتماع به برکت اصلاح افراد

اگر راستی هر فردی، وظایفش را بداند و عمل کند، اجتماع اصلاح می‌شود. اصلاح اجتماع، به اصلاح افراد آن اجتماع است. افرادی که از دروغ و غیبت، فتنه‌انگیزی و سُخریه، دزدی و فحشا و دیگر گناهان، خودداری کردند، از طرفی به خداپرستی، به جای مال پرستی، روی آوردند، انفاق و احسان به دیگران را شعار خود کردند، بلاشک، آن اجتماع، ایده‌آل خواهد بود.

نقش روحانیت در آشنا کردن مردم به وظایف [خود]

می‌دانیم که «عمل» به دنبالهٔ «علم» است و تا علم نباشد، نوبت عمل نمی‌رسد. این جاست که نقش حساس «روحانیت» در اجتماع و اصلاح آن، آشکار می‌شود. از جهت خودسازی، نهایت اهمیت را داراست؛ با

ذکر مفاسد گناه و رذایل اخلاقی و محاسن عبادات و فضایل انسانی، مردم را می ترساند و مشتاق می کند؛ ترس از گناه و پیروی شهوات و شوق به یاد خدا و ثواب آخرت.

همان طور که در روایات در شأن فقیه خوب و وظیفه اش در ارشاد مردم رسیده، آنان را از عقاب خدا بیم دهد و به ثوابش امیدوار سازد؛ حلال و حرام خدا را به مردم برساند و آنان را با اخلاق اسلامی، آشنا سازد؛ عیوب نفس را به ایشان گوشزد نماید و راه تهذیب نفس را به آنان بفهماند.

فقیه وارسته‌ای که قدرش مجهول ماند

از نعمتهای الهی بر ملت ایران در این دوره حسّاس، وجود فقیه وارسته‌ای چون شهید آیه الله سید عبدالحسین دستغیب رحمته الله علیه می باشد، با آن اخلاص عجیبی که داشت و سالیان متمادی همتش را در تهذیب نفس و خودسازی و تحصیل معارف صرف کرده بود، نهایت اهتمام را در ارشاد مردم به کار بست و آثار مهم و کم نظیری از خود به یادگار گذاشت که نه تنها در دوران حیاتش بلکه پس از شهادتش نیز اجتماع از آثار وجودی اش بهره مند می گردد.

تالیفات متعدّد در رشته‌های مختلف اسلامی

برای آشنا ساختن مردم به عقاید اسلامی، بحثهای متعدّدی در اصول

عقاید کرد که بخشی از آن به نام کتابهای: ایمان، توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد، منتشر گردید.

برای آشنا ساختن مردم به گناهان و مضرات فردی و اجتماعی، ظاهری و باطنی آنها کتاب بی نظیر «گناهان کبیره» را نوشت.

برای روشن ساختن مسلمانان به مفسد اخلاقی و دوری کردن از ردایل نفسانی، کتاب «اخلاق اسلامی» و «قلب سلیم» از خودش به یادگار گذاشت. برای توجه به مبدأ و حقیقت پیدا کردن عبادات و اخلاق در عمل، کتابهای: «صلاة الخاشعین» و «استعاذه» را تقدیم اجتماع کرد و برای پیدا شدن روح ولایت و محبت در دلها و تقویت آن، کتابهای: ولایت، سید الشهداء، فاطمه زهرا و زینب کبری، قیام حسینی و مهدی موعود علیه السلام را هدیه کرد.

برای زیادتیی ایمان به غیب و امید به خدا در مشکلات و خواص دیگر، «داستانهای شگفت» را نوشت و مشکلات و شبهات متعدد را در کتاب «۸۲ پرسش» پاسخ داد و با شرح و تفسیر بسیاری از سوره‌های قرآن مجید، بایانی رسا و بسیار ساده و ضمن حکایات شیرین برای شاهد مطلب و تنوع در سخن، خدمتی به سزا به طالبان حقیقت و عاشقان قرآن نمود.

مظالم، اثری نفیس در شناساندن حقوق

اینک در دومین سال شهادت آن شهید سعید، اثر نفیس دیگری از آن بزرگوار به اجتماع تشنه معارف اسلامی تقدیم می‌شود؛ افرادی که

می خواهند با اصلاح خود، اجتماع را اصلاح نمایند، پویندگان راه حقیقت که مایلند با آشنا شدن به احکام الهی و عمل کردن به آنها سعادت دنیا و آخرتشان را تأمین نمایند.

در این اثر نفیس، حقوق دیگران را از نظر اسلامی معرفی می نماید و اهمیت آن را با عبارات شیرین و رسا بیان می کند؛ مثلاً پرنده سالمی که سنگ بزرگی به پایش بسته شده چطور نمی تواند پرواز کند، مؤمن هر چند از لحاظ عقیده و عمل درست باشد، اما «مظالم»، یا به تعبیر دیگر «حقوق صاحبان حق»، مانع پروازش در ملکوت علیا می گردد.

علاقه شدید شهید | دستغیب | به صحیفه سجّادیه (علیه السلام)

شهید سعید آیه الله دستغیب، علاقه شدیدی به اثر جدّ بزرگوارش حضرت زین العابدین؛ یعنی «صحیفه سجّادیه» داشت. مکرر آن را می خواند و حتی الامکان از خود جدا نمی کرد. هرگاه از شهر بیرون می رفت، همراه قرآن، صحیفه را نیز با خودش می برد. در سجده آن را زمزمه می کرد. بسیاری از فقراتش را از حفظ داشت و خلاصه راه و روش تصرّع الی الله والتجای به حق را از آن الهام می گرفت و تکیه به حق و بریدگی از اسباب و دلبستن به خدا را از صحیفه می آموخت.

الهام از فقرات دعای صحیفه

در این کتاب، از فقرات نخستین دعای ۳۸ صحیفه الهام می گیرد که

حضرت سجاد علیه السلام از خداوند معذرت می خواهد از:

«ستمیده‌ای که در محضرش به او ستم شده و او را یاری نکرده است و از عذرخواهی که ستم کرده و پشیمان شده و عذر خواسته و عذرش را نپذیرفته است و از نیکی که به او شده و سپاسگزاری نکرده است و از نیازمندی که از او دریوزگی کرده ولی به او ایثار ننموده است و از عیب مؤمنی که بر او آشکار شده و آن را پنهانیده است و از حق هر صاحب حقی که بر او لازم شده و آن را ادا نکرده است»^(۱)

بحثی جالب درباره حقوق

شهید سعید هر یک از این عناوین دعای صحیفه را مطرح کرده و درباره اش بحثها می فرماید.

از حق ستمیده صحبت می کند که بر هر کس توانایی یاری کردنش را داشته باشد، کمکش واجب می گردد و دفع ظلم ظالم، واجب است. سپس از حق دیگری بحث می کند که برای افراد خودخواه تحملش مشکل است. کسی که به دیگری بدی کرده و حال پشیمان شده و از طرف، معذرت می خواهد، باید عذرش را بپذیرد و روایتی در این زمینه نقل می کند کسی که به این حق ترتیب اثر ندهد، به شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله نمی رسد.

۱ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلَمْتُ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَمِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدَى إِلَيْكَ فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَمِنْ مَسِيئٍ أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ فَلَمْ أَعْذِرْهُ ...

باید از عهده حق سؤال بر آمد

آنگاه از حق دیگری بحث می‌کند؛ کسی که حاجت به سوی دیگری می‌آورد، حقی بر طرف پیدا می‌کند که باید از عهده‌اش بر آید.

سؤال مالی باشد، یا علمی، یا کمک بدنی؛ مثلاً آدرس از طرف می‌خواهد، همین سؤال کردن، ایجاد حق می‌کند که اگر طرف می‌داند، باید پاسخش را بدهد.

از جهت دیگر از سؤال کردن در غیر موارد ضروری نیز نهی می‌کند، مبادا بر طرف حقی پیدا کند و درست ادا نشود و مخصوصاً از سؤالی که طرف را به زحمت دروغ، یا توریه بیندازد، نهی می‌کند. اما از سؤالی که طرف را به ذکر نعمتهای خدا و شکر حق وامی‌دارد، استقبال می‌نماید و مخصوصاً این نکته را یاد آور می‌شود که در صدر اسلام مرسوم شد مسلمانان که به یکدیگر می‌رسند، احوالپرسی کنند تا طرف را به ذکر حمد و ثنای خدا وادارند و او را یاد آور ثنای الهی نمایند.

در موارد اضطرار که طرف چاره‌ای جز سؤال ندارد، کمک مالی را واجب می‌شمارد، هر چند شخص، حق واجب چون خمس و زکات بر عهده نداشته باشد.

رعایت رحم و همسایه و ایثار به مؤمن

حکم رحم و همسایه را در این جهت شدیدتر می‌داند و به مناسبت

رعایت حقّ همسایه از کرامت سید بحر العلوم داستانی شگفت نقل نموده و نتیجه گیریهای جالبی می نماید.

ایثار را مستحب می دانند نه واجب و لازمه اش دوستی حق را در صدق شخص و ایثار کردنش بیان می نماید. هر کس خدا را دوست داشت، به حق باید در راه محبوب از بذل مال و جان، خودداری ننماید.

آنگاه یاد آور می شود که حضرت سجاد علیه السلام از ایثار نکردن فرضی، از خداوند پوزش می طلبد، ما چه بگوییم که در موارد قطعی، از انفاقهای واجب خودداری کرده ایم؟

سپس نمونه هایی از ایثار بزرگان چون مقدّس اردبیلی بر می شمارد و از ایثار حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام یاد می کند و ایثار حضرت زینب علیها السلام را در کودکی اش می ستاید.

تساقط از جنبه خلقی نه خالق

در بخش دیگر، از تساقط حقوق از جنبه «خالقی» صحبت می کند و به زبان ساده ای این مسأله را روشن می کند که اگر طرفین هیچ کدام حق دیگری را ادا نکردند، فردای قیامت نمی توانند بر یکدیگر ادّعا نمایند، اما از جنبه «خالقی» و تکلیف الهی که حقّ خداست، این حق بر قرار می باشد و هر دو طرف نزد خداوند مسؤول هستند.

حَقَّ عام مؤمن و حَقَّ خاص برای عنوان خاص

سپس حقوق را از جهت عنوان عام (مؤمن) و عنوانهای خاص مورد بحث قرار می‌دهد. نسبت به هر مؤمنی، مواسات را حَقَّ مشروع او می‌شمارد و از روایتی در این زمینه الهام می‌گیرد که می‌فرماید:

«ساده‌تر چیزی که بر مؤمن برای برادر مؤمنش واجب است، این است که: هرچه برای خودش دوست می‌دارد، برای او نیز دوست بدارد و هرچه برای خودش خوش ندارد، برای او نیز خوش نداشته باشد»^(۱)

فرمایش علی علیه السلام را نیز به عنوان سرمشق در ادای حقوق بیان می‌کند که: «خودت را میزان میان خود و دیگران قرار بده»^(۲) و در این مورد، شرح و بسط کافی می‌دهد و سخن را به این جا می‌کشاند که بهترین خدمت بستگان به اموات، این است که حقوقی که بر عهده اموات بوده است، به بستگانشان ادا نمایند؛ چه حقوق عرضی و چه حقوق مالی.

داستان عجیبی نیز در این باره از عذاب برزخی بعضی از اموات به واسطه مظالم و ادای حقوق نکردن نقل می‌فرماید که موجب عبرت خواننده می‌شود.

به روایتی از پیغمبر صلی الله علیه و آله استشهاد می‌کند که می‌فرماید:

«مفلس اتم کسی است که فردای قیامت، صاحبان حقوق، اطرافش

۱ - بحار الأنوار: ۷۴ / ۲۳۴ / ح ۳۰.

۲ - نهج البلاغه / فیض الإسلام: نامه ۳۱ / ۹۲۱.

را بگیرند و حقوقشان را مطالبه نمایند»^(۱).

و بحث را به آن جا ادامه می دهد که نتیجه می گیرد جز تصریح به درگاه خداوند، چاره ای نیست.

حق عنوان خاص پس از تطبیق

در بخش دیگری از حق، مربوط به عنوان خاص صحبت می کند؛ عنوان همسری، شاگرد و استادی، فرزند و والدین، رَحِم، همسایه، همسفر، همصحب، شریک و غیره تا وقتی تطبیق نشده حقوقش هم مطرح نیست، ولی پس از تطبیق نمودن، رعایت حقوق نیز واجب می شود.

سپس از حقوق شوهر بر زن از اطاعت و تمکین در امر زناشویی و از حقوق زن بر شوهر که علاوه بر نفقه، خوشرفتاری با اوست، بحث می کند.

وظیفه زن، حفظ مال و ناموس شوهر در حضور و غیاب اوست. حق شوهر است که همسرش برایش آرایش کند و او را به خودش جذب کند و از حقوق اوست که نباید همسرش برای بیگانه آرایش نماید.

در آداب معاشرت زن و شوهر، نهایت مهر را لازم می داند، مخصوصاً این جمله را نقل می کند که اگر زن به شوهرش بگوید: «در خانه تو خیری

ندیده‌ام»، تمام خدماتش را ضایع ساخته است.

آنگاه از حلال بودی طلبیدن زهرا علیها السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان سرمشق بانوان یاد می‌کند، با این که در تمام عمر، چقدر مواظب بود حق همسرش را رعایت کند، باز چنین می‌گوید. لذا دیگران نیز باید کاری کنند که حقوق به آخرت نیفتد.

مسئولیت در برابر والدین و اولاد

در بخش دیگر درباره حق اولاد بحث می‌کند و آن را حق بزرگ می‌شمارد و روی هم رفته بیشتر انحرافات و لغزشهای فرزندان را در اثر تقصیر والدین در پرورش و تربیت دینی و اخلاقی والدینشان می‌داند و آنان را شریک جرم فرزندشان می‌شمارد.

تربیت دینی را حق واجب اولاد می‌داند که باید پیش از تکلیف، او را به نماز و روزه و انفاق عادت دهند بلکه به طور کلی باید والدین در رفتار و گفتار، سرمشق بچه‌ها باشند.

برای استدلال، آیات و اخباری را شاهد می‌آورد که قرآن مجید می‌فرماید:

«باید خودتان و اهلتان را از آتش نگهدارید» (۱)

و در حدیث شریف:

«همه شما چوپان و فرمانده هستید و همه شما نیز از زیر دست، سؤال می‌شوید.» (۱)

آنگاه با بیان شیوایی می‌رساند که حق والدین منحصر به حال حیات نیست و پس از مرگشان نیز با دعا و صدقه باید یاد آنان را گرامی داشت و حقشان را ادا کرد.

ضمناً برای این که کسی در این اشتباه واقع نشود، با خدمتی که به پدر یا مادرش کرده گمان کند حقشان را ادا کرده باشد، به روایتی از حضرت صادق (ع) استشهد می‌نماید که به آن شیعه‌ای که مادرش را به زحمت به حج و زیارت مدینه آورده بود، فرمود:

«اگر او را بر سر گذاشته بودی و لقمه در دهانش کرده بودی، تلافی ماههای آخر حمل او را نکرده‌ای».

جلوگیری از گناه مفسد، حق واجب اولاد است
 آنگاه از حقوق واجب اولاد بر پدر و مادر، جلوگیری از گناهان مفسده دار را می‌شمارد و آن را شرح و بسط می‌دهد.

از داستان پیر سحر خیز که بیداری سحر برایش عادت مستمر شده بود، به برکت تمرین دادن پدرش یاد می‌کند و از تشویق بچه‌ها به نماز خواندن، هرچند با پول توجیبی دادن باشد، تمجید می‌نماید.

نفرین به اولاد را مذموم و مکروه می‌شمارد و از شل شدن زمخشری به واسطه نفرین مادرش یاد می‌کند.

اهتمام بیشتر به رعایت حق همسایه

در بخش دیگر این کتاب، رعایت حق همسایه اهتمام بیشتری می‌دهد. و از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌نماید:

«این قدر رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش همسایه را کرد که ما گمان کردیم همسایه [از همسایه] ارث می‌برد»^(۱)

ولی برای این که بعضی از این حق، سوء استفاده ننمایند و بعضی دیگر به خاطر رعایت این حق، در زحمت زیاد واقع نشوند، به روایت دیگر استشهاد می‌نماید که از امام علیه السلام می‌پرسد:

«همسایه‌ام از من عاریه می‌گیرد و آن را خراب می‌کند، آیا لازم است به او [عاریه] بدهم؟ و امام در پاسخش می‌فرماید: نه، بنا بر این اگر همسایه خودش رعایت نمی‌کند، از این جهت حقش ساقط است».

و در آخر، از کار نیک مجلسی که حلال بودی طلبیدن از همسایه‌هاست، به نیکی یاد می‌کند و آن را هنگام احساس مرگ، مستحب می‌شمارد.

از حقوق همسایه «پوشانیدن عیب» او را می‌شمارد. نگاه در خانه

همسایه را از مصادیق همسایه آزاری می‌داند. ناودان در خانه همسایه یا ریختن آشغال درب منزلش را ناپسند معرّفی می‌نماید.

حق همسفر و شریک نیز باید رعایت شود

همسفر نیز حق همصحبتی و همسفری پیدا می‌کند و از مشایعت علی علیه السلام برای ادای حق همسفر یهودی و مسلمان، شاهد می‌آورد. باید رعایت شریک را در حفظ مالش کرد و به اصطلاح «حفظ الغیب» او را رعایت کرد. شریک در خانه یا مغازه یا سرمایه یا هر چیز دیگر، فرق نمی‌کند.

از کسانی که بر سر چیز کوچکی با شریک درگیر می‌شوند، مذمت می‌نماید و حدیث مفصل سمره بن جندب را در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح می‌سازد که سر زده برای سرکشی نخلش به خانه مرد انصاری می‌رفت و خانواده‌اش را به زحمت می‌انداخت و به هیچ زبانی حاضر نشد کنار بیاید و به وظیفه‌اش عمل نماید، لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور فرمود نخلش را بکنند و جلویش بیندازند.

از عاقبت بدش خبر می‌دهد که طرف معاویه رفت و دینش را به دنیايش فروخت و به علی علیه السلام تهمت زد و آیه قرآنی را به دروغ به قاتل علی علیه السلام نسبت داد و از طرز مردن فجیعش که از اخبار غیبی پیغمبر صلی الله علیه و آله است خبر می‌دهد و با مطرح کردن این حدیث و سرگذشت

سمره برای همسایه آزارها و کسانی که رعایت حق شریک را نمی‌کنند، درس عبرتی می‌دهد.

مظالم و صراط و عقبات دیگر

در آخرین بخشهای این کتاب به مناسبت بحث «مظالم» از عقبه مظالم در صراط یاد می‌کند که برحسب روایات، هفتمین گرده و موقف و محلّ بازپرسی است.

نخست معنی «صراط» را روشن می‌کند و آنگاه وضع صراط را نسبت به وضع اشخاص در دنیا می‌سنجد تا در دنیا در صراط دین چگونه بوده‌اند، آن وقت راه سه هزار ساله را که سربالایی و سرازیری و سنگلاخ و پر از عقربها و مارهاست، مجسم می‌نماید که تاریکی آن را جز با نور عقاید و اعمال صالحه جبران نتوان کرد و مخصوصاً نور ولایت را به شرط این که گناهان چیره نباشد، مطرح می‌سازد.

در این بحث، شعور داشتن صراط را با بیانه‌های گوناگون تشریح می‌کند. زیر پای مؤمن، خنک و راست و زیر پای کافر و منافق، ناراحت کننده است.

شعور صراط را از مصادیق حیات کامل در آخرت بر می‌شمارد و آیات و روایتی که جهنّم مخاطب می‌شود پس دارای شعور و ادراک است، ذکر می‌نماید، لذا نتیجه می‌گیرد که صراط، اشخاص را می‌شناسد

و به حسب وضعشان در دنیا برایشان جلوه می‌کند.

نکته جالبی در شرح حدیث «[صراط] أدق من الشعر واحد من السیف»^(۱) یعنی صراط از مو باریکتر و از شمشیر بزننده‌تر است، یاد آور می‌شود که تشخیص دادن صراط مستقیم در دنیا خیلی دقیق است به قسمی که دقیق‌تر از مو است و عمل کردن به آن نیز خیلی سخت است به قسمی که از رفتن به روی شمشیر نیز سخت‌تر است.

عقبات صراط را همین جا بگذاریم

سپس به شرح اجمالی «عقبات صراط» می‌پردازد، از «رَحِم» و «امانت» که دو دستگیره و کناره پل صراط است، یاد می‌کند. «امانتداری» را منحصر به امانت مالی نمی‌داند بلکه صحبتی را که نزد کسی به امانت گذاشته شده نیز امانت می‌شمارد و رعایت کردنش را واجب می‌داند و بالأخره امانتداری را به‌طور کلی واجب می‌داند حتی نسبت به کافر و در صله رحم و حرمت قطع رحم نیز مراتب رحم را منظور می‌دارد که هرچه رحم نزدیکتر باشد، حرمت قطع رحم، شدیدتر و صله به او لازم‌تر است. سپس از «عقبه نماز» بحث می‌کند و تأکید می‌نماید نخستین چیزی که بنده را به حساب می‌کشند، «نماز» است اگر پذیرفته شد، نوبت به سایر چیزها می‌رسد.

آنگاه از روایت حضرت صادق (علیه السلام) در بستر بیماری که به مرگش

انجامید یاد می‌کند که می‌فرماید:

«شفاعت ما به کسی که نمازش را سبک شمارد، نمی‌رسد» (۱)

آنگاه «عقبات عبادات» را بر می‌شمارد تا به «عقبه مظالم» می‌رسد و با سخنان جذّاب، مردم را از این عقبه خطرناک، برحذر می‌دارد و می‌فرماید:

«سعی کنید در دنیا بر صراط رد شوید و حقوق را رعایت کنید، نگذارید حقوق به آخرت بینجامد».

بهشت و دوزخ هم اکنون موجود است

آنگاه به سؤالی که شده پاسخ می‌دهد، بهشت و جهنم کجاست؟ آیا هم اکنون موجود است؟ و اگر هست در کجاست؟

شواهدی بر وجود بهشت و جهنم می‌آورد و بهشت را حسب روایات، فوق آسمانها و جهنم را زیر زمین و شاید برخی از آن از آتش جوف زمین که خیلی مفصل است، باشد.

از سبب بهشتی که پیغمبر ﷺ میل فرمود و ماده انعقاد بدن حضرت زهرا علیها السلام شد و اخبار معراجیه و مشاهدات پیغمبر صلی الله علیه و آله را گواه می‌آورد که بهشت و دوزخ، هم اکنون موجود است.

آنگاه به مناسبت بحث بر روی عذابهای جهنم تکیه می‌کند

و روایات مربوط به آن را متواتر می‌شمارد. از زنی که هفت کنیزش را در راه خدا آزاد کرد و هفت در جهنم بر رویش بسته شد، یاد می‌کند و مردم را می‌ترساند [تا] مبادا به عقوبتهای مظالم گرفتار شوند.

لذتهای روحانی و جسمانی و همچنین عذابها

در بحث دیگر که آیا ثواب و عقاب در آخرت جسمانی است، یا روحانی، با بیانی شیرین می‌فهماند که هم روحانی است و هم جسمانی، آن وقت از آشامیدنیها و خوردنیها و سایر لذات جسمانی در بهشت یاد می‌کند و از لذتهای روحانی که به مراتب جالب‌تر از لذتهای جسمانی است، سخن می‌گوید.

نسبت به «دوزخ» نیز همین مطلب را پیاده می‌کند و همنشینی با شیاطین و دشنامهای آنان را از جمله عذابهای روحی دوزخ می‌شمارد، علاوه بر زقوم و حمیم و ضریع و غساق و غسلین از عذابهای جسمانی، از مدتهای طولانی ماندن بعضی از امت پیغمبر اسلام در دوزخ، سخن می‌گوید و در آخر، برای پیشگیری از یأس [مردم را] به شفاعت و رحمت و لطف خدا امیدوار می‌سازد.

عامل عقیده برای پیشگیری از مظالم

روی هم رفته در این چند سخنرانی که به صورت این کتاب در آمده

سعی شده شنونده و خواننده را نخست به حقوق دیگران و به اصطلاح «مظالم» آشنا سازد و سپس مجری این قوانین را خود افراد بشناساند.

ایمان هر فردی و اعتقاد به معاد و بهشت و دوزخ را عامل اساسی برای رعایت حقوق دیگران دانسته و از این نکته برای پیشگیری از مظالم؛ یعنی ادا نکردن حقوق دیگران استفاده می‌نماید.

کتابی پر مغز در حجم اندک

روی هم رفته با این تحلیل که از این کتاب ارزنده شد، واضح می‌شود که چقدر مطلب در این حجم اندک، نهفته شده و چقدر برای اجتماع ما مفید است.

بعضی مطالب چون در مجلسهای مختلف مورد بحث قرار گرفته ممکن است تکراری به نظر برسد، اما با دقت، متوجه می‌شوید که مطالب تازه‌ای در ضمن آن نهفته است و گرنه در چاپ حذف می‌شد و روی هم رفته کتاب بسیار پر مغز و نافع برای اجتماع اسلامی ماست و امید است چون همه آثار دیگر آن شهید سعید، مورد استفاده عموم قرار گیرد و روح آن شهید بزرگوار از دعای خیر خوانندگان که از این کتاب و نظایرش بهره‌مند می‌شوند، شادتر گردد. بسمه و کرمه.

سید محمد هاشم دستغیب

اسفند ماه ۶۱ - شیراز

فهرست مطالب

۵	• پیشگفتار
۵	• دین کامل و احکام اجتماعی
۶	• قوانین جامع از مبدأ وحی
۶	• قوانین خوب، مجریان خوب می‌خواهد
۶	• مجری قوانین فردی، افرادند
۷	• اصلاح اجتماع به برکت اصلاح افراد
۷	• نقش روحانیت در آشنا کردن [مردم] به وظایف [خود]
۸	• فقیه و ارسته‌ای که قدرش مجهول ماند
۸	• تألیفات متعدّد در رشته‌های مختلف اسلامی
۹	• مظالم، اثری نفیس در شناساندن حقوق
۱۰	• علاقه شدید شهید [دستغیب] به صحیفه سجّادیه (علیه السلام)
۱۰	• الهام از فقرات دعای صحیفه
۱۱	• بحثی جالب درباره حقوق
۱۲	• باید از عهده حقّ سؤال بر آمد
۱۲	• رعایت رَجَم و همسایه و ایثار به مؤمن
۱۳	• تساقط از جنبه خلقی نه خالقی

- ۱۴ حق عام مؤمن و حق خاص برای عنوان خاص
- ۱۵ حق عنوان خاص پس از تطبیق
- ۱۶ مسؤولیت در برابر والدین و اولاد
- ۱۷ جلوگیری از گناه مفسد، حق واجب اولاد است
- ۱۸ اهتمام بیشتر به رعایت حق همسایه
- ۱۹ حق همسفر و شریک نیز باید رعایت شود
- ۲۰ مظالم و صراط و عقبات دیگر
- ۲۱ عقبات صراط را همین جا بگذاریم
- ۲۲ بهشت و دوزخ هم اکنون موجود است
- ۲۳ لذت‌های روحانی و جسمانی و همچنین عذابها
- ۲۳ عامل عقیده برای پیشگیری از مظالم
- ۲۴ کتابی پر مغز در حجم اندک
- ۲۵ یاری نکردن ستمدیده
- ۲۶ نادیده گرفتن احسان!
- ۲۶ عذر عذرخواه را باید پذیرفت
- ۲۷ [لزوم] پوشانیدن راز و عیب دیگری
- ۲۷ حق سؤال را باید رعایت کرد
- ۲۸ پاسخی که جایز نیست
- ۲۸ تا بتوانید سؤال نکنید
- ۲۹ پریشانی که شرعاً غلط است
- ۳۰ دیدار [حضرت] یعقوب و یوسف [علیهم‌السلام]
- ۳۰ از الطاف خدایم بی‌رس
- ۳۱ طرف را به لطف خدا دلخوش کنید

- ۳۲ مواردی که کمک کردن واجب است
- ۳۲ حکم همسایه و رَجَم شدیدتر است
- ۳۲ ایثار مستحب است نه واجب
- ۳۳ راستگویی در ایثار معلوم می‌شود
- ۳۳ امام از ایثار نکردن پوزش می‌طلبد
- ۳۴ نمونه‌هایی از ایثار [مقدّس] اردبیلی
- ۳۵ هنگام قحطی، دیگران را مقدّم می‌دارد
- ۳۶ ایثار حضرت زینب در کودکی
- ۳۷ حیف از این دستها [که به خاک می‌رود]
- ۳۹ در ادای حقوق، تساقط نیست
- ۴۰ حقّ شرعی در صورت تلافی به مثل نیست
- ۴۰ تکلیف الهی محفوظ است
- ۴۰ مساوات از حقوق برادر مؤمن است
- ۴۱ در ادای حقوق کوتاهی می‌کنیم
- ۴۲ بهترین خدمت به مرده ادای حقوق [اوست]
- ۴۲ عذاب برزخی به واسطه ادا نکردن حقوق
- ۴۴ گناهانی که موجب گرفتاری برزخی است
- ۴۴ سه حق را برایتان از قول این شیخ [عبدالطاهر خراسانی] نقل نمایم
- ۴۵ اهانت به عالم و عقوبت سخت
- ۴۶ مفلس امت گرفتار صاحبان حق
- ۴۷ جز تضّرّع به درگاهت چاره نیست
- ۴۸ خدایا! از تو پوزش می‌طلبم
- ۴۹ حقوق خاص و عنوان عام
- ۴۹ حقوق شوهر از زبان پیغمبر صلی الله علیه و آله
- ۵۰ نفقه و خوش رفتاری حقّ واجب زن

- ۵۱ با جمله‌ای خدماتش را ضایع می‌کند.
- ۵۱ زهرا [علیها السلام] از علی حلال بودی می‌طلبد.
- ۵۲ نگذارید حقوق به آخرت بیفتند.
- ۵۳ پاسخ علی [علیه السلام] در برابر زهرا [علیها السلام].
- ۵۳ حق اولاد هم بزرگ است.
- ۵۴ شریک جرم فرزندان.
- ۵۵ هرکس مسؤول زیر دستش می‌باشد.
- ۵۵ رفتار والدین سر مشق بچه‌ها.
- ۵۶ از جمله حقوق، حق همسایه است.
- ۵۷ همسایه‌ای که خودش رعایت نمی‌کند.
- ۵۷ اعتراض [علامه] بحر العلوم به شاگردش.
- ۵۹ حلال بودی از همسایگان هنگام مرگ.
- ۵۹ علی [علیه السلام] و رعایت همسفری یهودی.
- ۶۱ آیا حقوق را رعایت کرده‌ایم.
- ۶۲ جلوگیری اولاد از گناه حق اوست.
- ۶۳ گناهی که فساد ندارد، جلوگیری بچه واجب نیست.
- ۶۳ بچه‌ها را پیش از تکلیف نماز خوان کنید.
- ۶۴ سحر خیزی به برکت تمرین دادن پدر.
- ۶۴ درخت انجیر وقف بچه‌های نماز خوان.
- ۶۴ مبادا فرزندان در قیامت دامن‌ت را بگیرد.
- ۶۵ از گناهان مفسده‌دار بچه باید جلوگیری کرد.
- ۶۶ خدمت به مادر در سفر حج و زیارت.
- ۶۶ زحمتهای طاقت فرسای مادر در حمل و وضع.
- ۶۷ احترام، حق واجب پدر و مادر.
- ۶۷ نفرین به اولاد موجب فقر است.

- ۶۸ شل شدن زمخشری به نفرین مادرش
- ۶۸ حق والدین پس از مرگ، دعا و خیرات است
- ۶۸ پوشاندن عیب همسایه حق اوست
- ۶۹ رعایت همسایه در پختن خوراک
- ۶۹ از آزار همسایه بپرهیزد
- ۷۰ رعایت شریک در حفظ مالش
- ۷۰ عصیت جاهلانۀ بزرگترها
- ۷۱ نخل سمره بن جندب و خانه مرد انصاری
- ۷۱ شکایت نزد پیغمبر مطرح می شود
- ۷۲ سمره به هیچ وجه کوتاه نیامد!
- ۷۳ زیان زدن در اسلام نیست
- ۷۳ عاقبت به شری سمره و دشمنی [با] علی علیه السلام
- ۷۴ تهمت زدن سمره به علی علیه السلام
- ۷۴ سمره در دیگ جوشان می پزد
- ۷۵ آنچه به خودت توقع داری، به دیگران چنین باش
- ۷۶ پشت سر دیگران نیز بد نگوی
- ۷۷ مظالم در صراط و بر روی جهنم
- ۷۷ صراط، پلی بر روی دوزخ
- ۷۸ سه هزار سال بر روی صراط
- ۷۹ نور عقاید و اعمال در صراط
- ۷۹ راه دراز، بی نور چگونه طی می شود؟
- ۸۰ صراط هم شعور دارد
- ۸۱ امانتداری وصلۀ رحم در عقبۀ اول
- ۸۱ خیانت به کافر هم حرام است
- ۸۲ مراتب رحم در صله

- ۸۲ شفاعت به تارک الصلاة نمی‌رسد
- ۸۳ عقیبة مظالم و صاحبان حقوق
- ۸۳ رؤیای و حشتناک و صادقه
- ۸۵ مگر دست ولایت [انسان را از جهنم] بیرون بیاورد
- ۸۶ کاری کنید شفیعیان رو برنگردانند
- ۸۶ سخنان پیغمبر [صَلَّیَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] به زهرا [عَلِیْهَا السَّلَام] در بستر مرگ
- ۸۷ شادی مؤمنین از گذشتن از صراط
- ۸۷ تا در صراط دنیا چه باشی
- ۸۸ خداوند! خودت ما را نگهدار
- ۸۹ هرکس افتادنی دارد
- ۹۰ کی در همه عمر بر صراط مستقیم است؟!
- ۹۰ تشخیص از موباریکتر و عمل از شمشیر تیزتر
- ۹۱ هرکس از جهنم صدمه‌ای می‌بیند
- ۹۱ معانی آخرتی قابل تصوّر نیست
- ۹۲ آتش جهنم به دعای مؤمن آمین گوید
- ۹۲ جهنم گوید هنوز جا دارم
- ۹۴ درجات عذاب در دوزخ مختلف است
- ۹۴ رنگ آتش دوزخ پس از سه هزار سال دمیدن
- ۹۵ زقوم تلخ‌تر از حنظل
- ۹۶ آب جوشانی که گوشت صورت را می‌ریزد
- ۹۶ مؤمنین باور می‌کنند
- ۹۷ لباس دوزخیان از آتش است
- ۹۸ ناله‌های علی [عَلِیُّ بْنُ ابِی طالب] از ترس آتش
- ۹۸ نمونه‌هایی از عذاب جهنم
- ۹۹ گرزهای جهنم بر سر دوزخیان

- ۹۹ ۱. اهل سلم به جهنم نمی روند.
- ۱۰۰ ۲. بدنهای سخت همچون دلهایشان
- ۱۰۱ ۳. غلبه معنی بر صورت در آخرت
- ۱۰۲ ۴. بهشت و جهنم اگر حالا هست [پس] کجاست؟
- ۱۰۳ ۵. سیب بهشتی و ماده انقاد زهرآلود
- ۱۰۴ ۶. مالک دوزخ، ملک عبوس
- ۱۰۴ ۷. سنگی از لب چاهی در دوزخ
- ۱۰۵ ۸. روایت بهشت و دوزخ متواتر است
- ۱۰۵ ۹. هفت کنیز را آزاد می کند
- ۱۰۶ ۱۰. ثواب و عقاب جسمانی و روحانی
- ۱۰۷ ۱۱. آشامیدنیهای بهشتی، لذت جسمانی
- ۱۰۷ ۱۲. خوراکیهای بهشت ثقل و کثافت ندارد
- ۱۰۹ ۱۳. نعمة درختان بهشتی، نمونه ثواب روحانی
- ۱۱۰ ۱۴. سلطنت دنیا به تلخی مرگ نمی آرد
- ۱۱۰ ۱۵. خوش ترین روزهای مروان بدترین شد
- ۱۱۱ ۱۶. دیدار خوبان، نعمت روحانی
- ۱۱۲ ۱۷. منزل مبارک باد برای مؤمن
- ۱۱۲ ۱۸. سلام خداوند بر مؤمن صالح
- ۱۱۳ ۱۹. [مؤمنین] در میهمانی انبیا در مجمع صالحین
- ۱۱۴ ۲۰. مقام قرب و اذن حضور
- ۱۱۵ ۲۱. صحبت ناچسب عذابی است الیم
- ۱۱۵ ۲۲. خلود، ویژه کفار است
- ۱۱۶ ۲۳. احقاب، مقدار ماندن در دوزخ است
- ۱۱۷ ۲۴. با کمک خدا از مظالم برهیم
- ۱۱۹ ۲۵. دستگاه آفرینش بر عدل است نه بر ظلم

- ۱۲۰ نظم در کرات، عدل در آنهاست
- ۱۲۱ حساب دقیق در مدار کرات
- ۱۲۱ از ترس پایان جهان، خودکشی کردند!
- ۱۲۲ رعایت عدل در موجودات زمین
- ۱۲۳ ناودان در برگ شلغم و چغندر
- ۱۲۳ دندان سگ و گوسفند نمونه‌ای از عدل
- ۱۲۳ دندان پیش، تیز و آسیا پهن است
- ۱۲۴ زبان، آلت نقاله خوراک
- ۱۲۴ حرکت فک پایین و دو سوراخ بینی
- ۱۲۵ باید زندگی مسلمان بر عدل استوار باشد
- ۱۲۶ بنده و زندگی آزادانه ظلم است
- ۱۲۷ شرک، ستم بزرگی است
- ۱۲۷ زبان خلیفه را گربه خورد
- ۱۲۸ لباس زینده بنده، بندگی است
- ۱۲۹ اگر بنده بود چنین نبود
- ۱۳۰ پا از گلیم خود دراز کردن ظلم است
- ۱۳۰ خاک نشینی و تمرین بندگی
- ۱۳۱ روش پیغمبر را در بندگی پیروی کنید
- ۱۳۲ [علی علیه السلام] پیراهن بهتر را به غلامش می‌دهد
- ۱۳۲ ظلم در حقیقت ظلمات است
- ۱۳۳ رازداری همسر از عدل است
- ۱۳۳ به حیوانات هم نباید ظلم کرد
- ۱۳۴ دو حیوان را به جان هم نیندازید
- ۱۳۴ دل خنک، یا تربیت بچه؟
- ۱۳۵ در حضور بچه مادرش را ناراحت نکنید

- ۱۳۵ در نفقه بچه‌ها فرق نگذارید
- ۱۳۶ ایرادگیری در ازدواج ظلم است
- ۱۳۷ در سادگی ازدواج از پیغمبر صلی الله علیه و آله پیروی کنید
- ۱۳۷ ازدواج جویبر با دختر رئیس قبیله
- ۱۴۰ هرچه زحمت است از خلاف عدل است
- ۱۴۰ اگر عدل مهدی علیه السلام را می‌خواهی عادل شو
- ۱۴۱ صالح شویم و آرزوی مصلح جهانی را بنماییم
- ۱۴۲ عدل، فهم و علم می‌خواهد
- ۱۴۳ گوهرهای حکمت از دریای علم و فهم
- ۱۴۳ بدون رضایت مالک، تصرف زشت است
- ۱۴۴ هفت طبقه چشم را کی ساخته است؟
- ۱۴۴ سه میلیون سؤل برای شنوایی
- ۱۴۵ به کار بردن اعضا در مورد رضای خدا
- ۱۴۵ مال هم حقیقتاً ملک خداست
- ۱۴۶ اسراف، از موارد ظلم است
- ۱۴۷ اعتراض حضرت صادق علیه السلام در مورد اسراف
- ۱۴۷ امام سجّاد علیه السلام شتر را نَرَد
- ۱۴۸ چرا به حیوانات اذیت می‌کنند!!
- ۱۴۹ تقوای حقیقی در پرهیز از ظلم [است]
- ۱۴۹ برتری جویی بر دیگران ظلم است
- ۱۴۹ حضرت مجتبی علیه السلام رعایت سگ را نیز می‌کند
- ۱۵۰ معامله حضرت رضا علیه السلام با ناشناس در حمام
- ۱۵۱ اندوهناکترین افراد در قیامت
- ۱۵۲ بزرگهایی که در آخرت ذلیل‌اند
- ۱۵۲ زمامداری و مسؤولیت سنگین

- ۱۵۲ رفتارهای که سر مشق اولاد بشود.
- ۱۵۳ مادرها بیشتر مواظبت کنند
- ۱۵۴ ظلم به اولاد در نتیجه تربیت غیر اسلامی
- ۱۵۵ توفیق حضور در عرفات در موسم حج
- ۱۵۵ شتر امام سجاد علیه السلام بر سر قبر آن حضرت
- ۱۵۶ ظلم ساریان، حیوان دوبا
- ۱۵۷ نخست از مظالم بازخواست می شود
- ۱۵۸ گناهانی که عقوبتش را دیده آمرزیده شده است
- ۱۵۸ آموزش حق الناس مشروط به رضایت طرف
- ۱۵۹ هیچکس قران بدهکاری و گزافکاری
- ۱۶۰ ظالم از عدل خدا فرار نمی کند
- ۱۶۰ تلافی مظلومیت حسین علیه السلام با خداست
- ۱۶۱ امید آموزش با توبه از نافرمانی خدا
- ۱۶۱ حقوقی که مظلومه اش آشکار است
- ۱۶۲ ظلم هر چند مختصر، بررسی می شود
- ۱۶۲ خلاصه ای از شش حق
- ۱۶۳ رازداری و ایثار به سائل
- ۱۶۴ محرومیت از ثواب در رد سائل
- ۱۶۴ تا سه مرتبه حتماً سائل را رد نکنید
- ۱۶۵ ضروریات را از همسایه دریغ ندارید
- ۱۶۶ تشنه کام را باید سیراب کنید، هر چند مسلمان نباشد
- ۱۶۷ به مقدار اضطراب طرف، کمکش واجب می شود
- ۱۶۷ حضرت کاظم علیه السلام و ضمانت در حال اعتکاف
- ۱۶۸ ایثار کنندگان با علی علیه السلام محشورند
- ۱۶۸ علی علیه السلام یک دینار قرض می گیرد

- ۱۶۹ مقدار چهار روز گرسنه بود
- ۱۷۰ طعام بهشتی به پاس ایثار علی علیه السلام
- ۱۷۱ کمتر کسی گرفتار حق الناس نیست
- ۱۷۲ پاداش احسان [لازم است] هر چند با تشکر باشد
- ۱۷۴ عذاب سخت برای فاش کنندگان عیب مؤمن
- ۱۷۵ حالتی که به کفر نزدیکتر است
- ۱۷۵ شیخی که خود را به کفر زد
- ۱۷۶ ندانستن عذر نیست بلکه جرم بیشتری است
- ۱۷۷ معذرت خواهی از روی صدق، حق می آورد
- ۱۷۷ گناه مأمور ستمگر مالیاتی
- ۱۷۸ سه دستور از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۷۹ چرا از خاطرها محو می شود؟
- ۱۷۹ کنترل زبان برای زنها مشکل تر است
- ۱۸۰ پاسخی که سکوتش بهتر است
- ۱۸۲ فهرست منابع و مآخذ
- ۱۸۶ فهرست مطالب